

نشریه دانشجویان هوادار سازمان چریکهای فدایی خلق ایران در خارج از کشور

شماره ۴۷

مهر ۶۵ اکتبر ۸۶

سال پنجم



ننین :

درباره اهمیت ماتریالیسم مبارز



قیام مسلحانه ،

راه حل انقلابی

پایان دادن به جنگ

کارگران ! دهقانان ! سربازان ! روشنفکران انقلابی ! شش سال از هنگامیکه جنگ همه جانبه دولتهای ایران و عراق آغاز گردید، گذشت. جنگی که جز سیه‌روزی و بدبختی، کشتار و ویرانی، فقر و خانه‌خوابی، و دعوا مصیبت اجتماعی دیگر نتایج‌ای برای توده‌های مردم ایران و عراق در پی نداشته‌است. آنچه که طی این شش سال بر مردم دو کشور ایران و عراق گذشته است، عمق فاجعه‌ای را که این جنگ ارتجاعی ببار آورده است، نشان می‌دهد. تعداد کشته شدگان، مفقودین و معلولین از مرز یک میلیون گذشته است. میلیونها تن از توده‌های مردم این دو کشور بعلت ادامه جنگ، خانه و کاشانه خود را از دست داده، از شهرها و روستاهای خود رانده شده و آواره و دریدر کشته‌اند. بخش عظیمی از این مردم از غستی سافط شده، بصورت آوارگان جنگی، در اردوگاههای فقر و بدبختی تلنبار شده و در بدترین شرایط معیشتی و بهداشتی بسر می‌برند. صدها هزار خانواده داغدار و مصیبت دیده، به سوگ عزیزان از دست رفته خود نشسته‌اند. جنگ تعداد زیادی از شهرها و روستاها، مراکز اقتصادی و بخش عظیمی از ثروتهای ملی دو کشور را که ارزش آنها به حدود ۵۰۰ میلیارد دلار تخمین زده شده است، بکلی ویران و نابود کرده است. این جنگ عمه ساله میلیاردها دلار هزینه، به مردم ستمدیده این دو کشور تحمیل نموده و طی شش سال گذشته این هزینه‌ها متجاوز از ۴۰۰ میلیارد دلار ننده است.

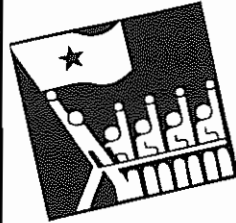
جنگ، شش سال تمام، عموم توده‌های مردم ایران و عراق را در تشویش و بیم، دلهره و اضطراب قرار داده است. هر لحظه اضطراب و تشویش ناشی از بیماران، موشک باران و گلوله باران، هر لحظه بیم و دلهره ناشی از، از دست دادن فرزند، شوهر، برادر و پدري که در جبهه‌های جنگ است، چون کابوسی وحشتناک بر فراز سر مردم ایران و عراق فرار داشته است.

اما، نتایج فاجعه‌بار این جنگ به آنچه که گفته شد، محدود نیست. جنگ اقتصاد ایران را به ویرانی تمام و کمال سوق داده است. طی شش سال گذشته بیوسته وضعیت اقتصادی جامعه به وخامت گرانیده و بحران اقتصادی تشدید شده است. بسیاری از کارخانه‌ها و موسسات تولیدی بکلی تعطیل شده و در تعدادی دیگر تولید بحد اقل ممکن

در این شماره

۰۶ اخبار ایران

۱۳ اخبار جهان



۱۹ اخبار

جنبش دانشجویی

۲۰ درباره اهمیت ماتریالیسم مبارز

۲۶ پای صحبت

میخائیل شولوخوف

۲۰ گزارشی از جزیره لارک



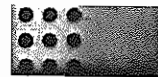
۲۲

بیمار

۲۶ نامه‌ای از حمید مؤمنی

دنباله‌ای بر مقاله

شاعر بودن، شاعر شدن ۲



۲۸



۴۷ از هم‌اندیشان

پایان دادن به جنگ

مواد غذایی دیگر نیستند. این فشارهای عظیم ناشی از بحران اقتصادی، بهمراه تحمیل هزینه‌های ناشی از جنگ بر کرده زحمتکشان، زندگی را بحد غیرقابل تحملی رسانده است. رژیم ارتجاعی و جنگ طلب جمهوری اسلامی هزینه‌های سرسام آور جنگ را مستقیم و غیرمستقیم بر دوش توده‌های مردم ایران قرار داده است. بخشی از این هزینه‌ها از طریق ارزش اضافی ناشی از تولید نفت، که کارگران آفریننده آن هستند و بخشی دیگر بویژه از طریق مالیاتهای غیرمستقیم اخذ می‌شود. طی شش سال گذشته، مداوماً بر میزان مالیاتها افزوده شده است و بنا به اعتراف خود سران رژیم، پرداخت کنندگان اصلی این مالیات کارگران، دهقانان، خرده تولید کنندگان و کسبه جزء، و حقوق بگیران دون پایه‌اند. اما دولت تنها به اخذ مالیات اکتفا نکرده بلکه مالیاتی نیز مستقیم و غیرمستقیم، با زور و تهدید و فشار از مردم گرفته است. مرتباً بخشی از دستمزد کارگران بعنوان کمک به جبهه‌های جنگ کسر شده، مزایای مختلف آنها حذف شده و بر شدت استثمار کارگران افزوده گشته است. با عمه این فشارهایی که به مردم ایران وارد شده است و انبوه فجایع و مصائبی که جنگ بیار آورده است، هنوز هم رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی، این پاسدار نظام سرمایه‌داری و ارتجاع مدعی، این مظهر ستمگری، جهل، خرافات و جنگ، بر ادامه جنگ پای می‌فشارد و شعار ادامه جنگ تا پیروزی را سر می‌دهد.

جنگ، زندگی را بر مردم ایران تباه کرده است، اما مترجعین حاکم بر ایران، بخاطر مقاصد جاه طلبانه و توسعه طلبانه، و منافعی که از

کاعش یافته است. کشاورزی با وضعیت وخیمی روبروست و تولید محصولات کشاورزی، در بسیاری موارد کاعش یافته است. وضع چنان وخیم است که حتی ابتدائی‌ترین نیازهای مردم از طریق واردات تامین می‌گردد. کمبود کالا و مایحتاج عمومی مردم در عمه جا محسوس است. فشار بار این بحران اقتصادی و وخیم‌تر شدن روزافزون آن، بر دوش توده‌های مردم ایران قرار دارد. با تعطیل روز افزون کارخانه‌ها و موسسات مختلف، مداوماً تعداد بیشتری از کارگران بیکار شده و به ارتش عظیم بیکاران پیوسته‌اند. دهقانان نیز که تحت تاثیر تشدید بحران اقتصادی پنحو روزافزونی خانه خراب شده‌اند، به این ارتش بیکاران پیوسته‌اند. هم‌اکنون تعداد بیکاران از مرز ۴ میلیون تن گذشته است. این جمعیت چند میلیونی در زمره کسانی هستند که حتی از تامین حداقل معیشت خود و خانواده‌شان محروم‌اند و با فقر و سیه‌روزی عولناکی دست بگریبانند. قیمت کالاها طی چند سال ادامه جنگ، مداوماً افزایش یافته است. هر روز و هر ساعت، بر قیمت کالاها افزوده شده است. روزی نمی‌گذرد که بر قیمت مایحتاج عمومی مردم افزوده نگردد. فشار این تورم افسار گسیخته نیز قبل از عمه بر دوش توده‌های مردم ایران، بویژه کارگران قرار دارد، که دستمزد ناچیز آنها ثابت مانده است. این فشار بحدی است که دیگر توده‌های مردم قادر نیستند با دستمزد و حقوق ناچیزی که دریافت می‌کنند، حداقل مایحتاجی را که برای گذران یک زندگی معمولی لازم است، تامین کنند. بسیاری از خانواده‌های زحمتکشان حتی قادر به خریدن گوشت و برخی

این جنگ ارتجاعی عایدشان شده است، به ادامه جنگ کمر بسته‌اند. فجایع چند سال گذشته کافی نیست. رژیم جنگ طلب جمهوری اسلامی در تدارک یک حمله نظامی دیگر و فجایعی عظیم‌تر از گذشته است. جمهوری اسلامی تدارک کشتار عظیم توده‌های مردم ایران و عراق را می‌بیند و برای تحقق این نقشه شوم خود، از هم‌اکنون بر شدت فشار بر مردم افزوده است.

فشار هزینه‌های جنگ را هرچه بیشتر و مستقیم‌تر بر دوش توده‌ها انداخته است. هزینه‌های جنگ را افزایش داده است و با زور و تهدید مردم را گروه گروه به جبهه‌های مرگ و نیستی می‌فرستد و هر کسی را که از رفتن به جبهه‌های جنگ سر باز زند، به زندان می‌افکند.

این سیاست جنگ طلبانه و ددمشانه، ذاتی رژیمی است که در عمه عرصه‌ها، سیاستهای ضد خلقی، ارتجاعی و ضدانقلابی خود را بنمایش گذاشته است. رژیمی که با سلب ابتدائی‌ترین حقوق مردم گوی سبقت را از عمه رژیم‌های ارتجاعی و فاشیستی رپوده است و با برقراری یک دیکتاتوری عربیان و عنان گسیخته و سرکوب بیرحمانه، حقوق دمکراتیک و آزادیهای سیاسی را بکلی از مردم ایران سلب نموده، دهها هزار تن از انقلابیون ایران را بجرم دفاع از سوسیالیسم، دمکراسی و آزادی بچوخه اعدام سیرده و یا در سیاه چالهای قرون وسطایی خود به بند کشیده است.

این رژیم، اقلیت‌های ملی، مذعبی و قومی را از حقوق ابتدائی‌شان محروم نموده و به آزار و سرکوب بی‌مهابای آنها دست زده است. زنان ایران را حتی از حقوق انسانی محروم نموده و ستم و تبعیض بر پایه جنسیت را بحدی رسانده که با زنان بمثابه برده و انسان ناقص‌العقل برخورد می‌کند. جمهوری اسلامی، مراکز آموزشی، مدارس و دانشگاهها را به مرکز آموزش

قیام مسلحانه، راه حل انقلابی

پایان دادن به جنگ

ارتجاعی و توسعه طلب است. و می‌کوشد از طریق جنگ، ارتجاع مذهبی‌اش را صادر کند. بنابراین علیرغم نفرت و انزجار توده‌های مردم از ادامه جنگ، بازعم جنگ را ادامه می‌دهد و بر شدت آن می‌افزاید. جنگی که تماما بنفع سرمایه‌داران، آخوندها و امیریالیست‌هاست. تنها کافی است که اشاره شود در اثر ادامه جنگ، امیریالیستها میلیاردها دلار از فروش اسلحه به جیب زده‌اند و بر دامنه مداخلات سیاسی و نظامی خود در منطقه خاورمیانه افزوده‌اند. اما جز مصائب بی‌شمار و فشارهای روزافزون چیزی عاید توده‌های مردم ایران و عراق نشده است. توده‌های زحمتکش ایران و عراق که هیچگونه دشمنی با یکدیگر نداشته و ندارند و این جنگ را برخلاف منافع و مصالح خود می‌دانند خواعان پایان یافتن جنگ‌اند، اما رژیم جمهوری اسلامی نه فقط خواعان ادامه جنگ است بلکه بر شدت مخاصمات جنگی افزوده و در تدارک یک حمله نظامی دیگر است. این حمله بازعم تنها نتیجه‌اش کشتار تعداد کثیری از زحمتکشان مردم ایران و عراق خواهد بود و مصائب و بدبختی‌های ناشی از جنگ را به مقیاس عظیمی افزایش خواهد داد. توده‌های مردم ایران باید بمقابله‌ای جدی علیه رژیم برخیزند

منتشر شد

مآزمان چریک‌های فدایی خلق ایران

خرافات تبدیل نموده است. این رژیم هر مطالبه برحق و هر اعتراض عادلانه کارگران و دمقانان را با سرکوب پاسخ داده است. در اثر اعمال سیاستهای بغایت ارتجاعی خود فقر و فلاکت عظیمی را بر همه جا حاکم کرده است. بی‌جهت نیست که امروز در ایران، فقر، جنایت، فحشا، دزدی و اعتیاد ابعاد فاجعه‌آوری بخود گرفته است. فقر و بدبختی سراسر ایران را فرا گرفته است. هر روز بر تعداد گدایان و ولگردان افزوده می‌شود. فحشا بنحو بی‌سابقه‌ای رشد کرده است. عیچگاه تاکنون اعتیاد تا این حد رواج نداشته است. آماری که یلیس رژیم منتشر ساخته است، نشان می‌دهد که همه روزه بر تعداد جوانانی که بخاطر فقر و استیصال به دزدی، اعتیاد، فحشا و مفساد اجتماعی دیگر روی می‌آورند، افزوده می‌گردد.

چه کسی جز رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی و نظام سرمایه‌داری حاکم بر ایران مسئول این همه مصائب و تباهی اخلاقی و معنوی است؟ این مصائب و مفساد نتیجه جبری و اجتناب‌ناپذیر نظام سرمایه‌داری و سیاستهای فوق ارتجاعی رژیم جمهوری اسلامی می‌باشند. روشن است، رژیمی که سیاست داخلی‌اش در همه عرصه‌ها ارتجاعی و ضدانقلابی است، در سیاست خارجی نیز سیاستی ارتجاعی را پیش می‌برد. جمهوری اسلامی همانگونه که در سیاست داخلی به سرکوب و اختناق متوسل شده است، جنگ را نیز به ابزاری برای پیشبرد سیاست خارجی خود بدل کرده است. از همین روست که جنگ طلبی جزء لاینفک سیاست خارجی آن محسوب می‌گردد.

رژیم جمهوری اسلامی بعلت خصلت مذهبی‌اش، مدافع یان اسلامیس

و اجازه ندهند که بیش از این، با ادامه جنگ، فجاجیح دیگری به بار آورد. اگر وضع بر عمین منوال باشد، با گذشت هر روز، اوضاع وخیم‌تر خواهد شد و شرایطی دشوارتر و اسفبارتر از امروز در انتظار مردم خواهد بود، مگر آنکه توده‌های زحمتکش ایران به نبردی آشکار برای سرنگونی رژیم برخیزند.

کارگران! دعقانان! سربازان! روشنفکران انقلابی!

درنگ جایز نیست. هیچ معجزه‌ای در کار نخواهد بود. تنها اراده انقلابی شما برای پایان بخشیدن به جنگ از طریق سرنگونی رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی، تنها قیام و انقلاب می‌تواند به این همه مصائب و فجاجیحی که رژیم جمهوری اسلامی به بار آورده است پایان بخشد.

این حق عادلانه مردم ایران است که برای پایان بخشیدن به جنگ و دستیابی به یک صلح دمکراتیک، برای پایان بخشیدن به ستمگریهای بی‌شمار رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی به قیام مسلحانه متوسل گردند. بی‌هیچ تردیدی، تلفات و ضایعاتی که در حین این قیام به مردم ایران وارد خواهد آمد، هزاران بار کمتر از تلفات و ضایعاتی است که همه روزه تحت جاکمیت جمهوری اسلامی بر مردم ایران وارد می‌آید.

قطعا توده‌های مردم ایران که حامل سنت‌های انقلابی درخشانی هستند، مردمی که عمین چند سال پیش با انقلاب خود، رژیم شاه را با همه قدرت و توان نظامی و سرکوب‌اش واژگون کردند و نظام سلطنتی را به گورستان تاریخ سپردند، ننگ دوام و بقاء رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی را نیز تحمل نخواهند کرد و آنرا به عمان گورستانی خواهند سپرد که رژیم سلطنتی را سپردند.

دور نیست روزی که توده‌های مردم

قیام مسلحانه، راه حل انقلابی

پایان دادن به جنگ

اسلامی، دوباره قدرت را بدست بگیرند. روشن‌ترین نمونه آن، سازمان مجاهدین خلق ایران است که می‌خواهد درست همان نقشی را بازی کند که خمینی و دار و دسته او در حین سرنگونی رژیم شاه برعهده گرفتند. سازمان مجاهدین که به دروغ خود را مدافع مردم و انقلاب معرفی می‌کند، در واقع امر مدافع حفظ قدرت سیاسی در دست سرمایه‌داران است. علاوه بر این، علیرغم اینکه جمهوری اسلامی ماعیت ارتجاعی و ضددمکراتیک عر حکومت مذهبی را به عمکلان نشان داد، باز هم: این سازمان خواستار ایجاد يك حکومت مذهبی دیگر بنام "جمهوری دمکراتیک اسلامی" در ایران است.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران بالعکس، از استقرار يك حکومت انقلابی - دمکراتیک در ایران دفاع می‌کند که در آن قدرت سیاسی در دست کارگران، دهقانان و عموم زحمتکشان قرار داشته باشد. دمکراسی شورایی اعمال شود و مردم از طریق شوراهایی که هم بمثابة قوه مقننه و هم اجرائیه عمل می‌کنند، اعمال حاکمیت نمایند. سازمان ما با هر شکل حکومت مذهبی مخالف است و خواهان جدایی کامل دستگاه دولت از مذهب می‌باشد. ما از حکومتی دفاع می‌کنیم که حقوق دمکراتیک و آزادیهای سیاسی مردم را برسمیت بشناسد. عرگونه ستم و تبعیض بر پایه جنسیت، ملیت و قومیت را ملنی سازد، حقوق اجتماعی برابر زنان بامردان را برسمیت بشناسد و حق ملیتهای تحت ستم کرد، ترک، بلوچ، ترکمن و عرب را در تعیین سرنوشت خویش بپذیرد. ما از يك حکومت انقلابی - دمکراتیک کارگران و زحمتکشان ایران دفاع می‌کنیم که

ایران، ستمگران حاکم را سرنگون سازند، جنگ پایان بخشند و يك حکومت دمکراتیک و انقلابی را در ایران برپا دارند. این یگانه راهی است که در برابر زحمتکشان مردم ایران فرار گرفته است.

سازمان ما، بعنوان سازمانی که از منافع طبقه کارگر، و از موضع این طبقه از منافع عموم توده‌های زحمتکش و ستمدیده ایران دفاع می‌کند، از همان نخستین روز آغاز جنگ بر فاهیت ارتجاعی این جنگ تاکید نمود و در هر کلام مغایرت آن را با منافع توده‌های مردم ایران و عراق نشان داد. امروز نیز پس از گذشت شش سال از آغاز جنگ خطاب به شما توده‌های مردم ایران تاکید می‌کنیم که تنها راه نجات از شرفقرو بدبختی، ستم و سرکوب، دیکتاتوری و اختناق، جنگ و ویرانی، قیام مسلحانه علیه رژیم جمهوری اسلامی و ایجاد يك حکومت دمکراتیک و انقلابی است که در آن، قدرت سیاسی در دست کارگران و دهقانان و عموم زحمتکشان قرار داشته باشد. تجربه چند سال گذشته، بویژه بقدرت رسیدن رژیم جمهوری اسلامی نشان داد که مادام قدرت سیاسی در دست توده‌های مردم قرار نداشته باشد، وضع روز بروز وخیم‌تر خواهد شد.

تجربه نشان داد که تنها سرنگونی رژیم کافی نیست، بلکه مهم‌تر از آن قدرت سیاسی است که باید در دست توده‌های مردم قرار بگیرد تا بار دیگر مرتجعین زمام امور را در دست نگیرند و بر مقدرات مردم حاکم نشوند. ما بر این مسئله بهمان اندازه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی تاکید می‌کنیم، چراکه از هم‌اکنون مرتجعین در کمین نشسته‌اند تا با سرنگونی جمهوری

قدرت کام‌های اساسی در جهت برانداختن سلطه امپریالیسم و وابستگی اقتصادی بر دارد، يك حکومت انقلابی - دمکراتیک کلیه صنایع و موسسات متعلق به سرمایه‌داران بزرگ و انحصارات بین‌المللی را مصادره و ملی خواهد کرد. کلیه قراردادهای اسارت‌بار امپریالیستی را ملغی خواهد نمود. مطالبات فوری کارگران از جمله حق ۴۰ ساعت کار و دو روز تعطیل پی در پی در هفته و يك ماه مرخصی سالانه را متحقق خواهد ساخت. کنترل کارگری بر تولید و کنترل توده‌ای بر توزیع را عملی خواهد نمود، کلیه اراضی و املاک زمینداران بزرگ را بنفع دهقانان مصادره خواهد کرد. کلیه بدسی‌های دهقانان به دولت، بانک‌ها، موسسات مالی، ملاکین و رباخواران را ملغی خواهد نمود و اقدامات جدی در جهت رفاه عمومی زحمتکشان معمول خواهد داشت.

بنابراین توده‌های مردم ایران، باید تجارب گذشته خود را بکار بندند. تنها سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و برقراری يك حکومت انقلابی - دمکراتیک می‌تواند صلح دمکراتیک و تحقق درخواست‌های انقلابی - دمکراتیک مردم را عملی سازد.

کارگران ! دهقانان ! سربازان !
روشنفکران انقلابی !

برای پایان بخشیدن به جنگ و دست یابی به صلح دمکراتیک، برای پایان بخشیدن به تمام مصائبی که رژیم جمهوری اسلامی بار آورده است، يك راه در برابر شما قرار گرفته است. قیام مسلحانه.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی
برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق
زننده باد سوسیالیسم

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران
شهریور ماه ۱۳۶۵

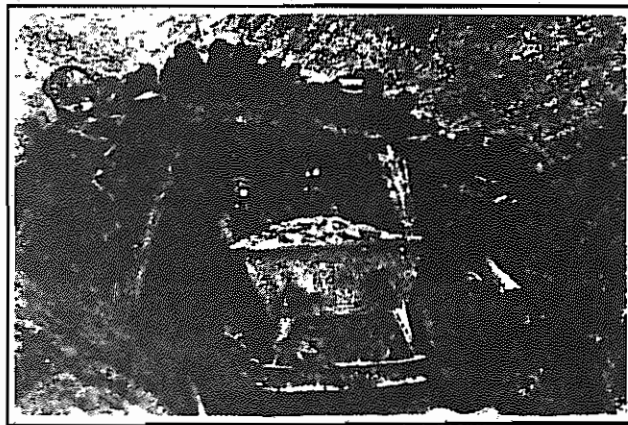
گزارشی از وضعیت معدنچیان ایران

از زبان گزارشگر روزنامه جمهوری اسلامی

روزنامه‌ی "جمهوری اسلامی" که یکی از روزنامه‌های چیره‌خوار رژیم است در شماره‌های ۵ و ۶ شهریور ماه خود به تشریح وضعیت معدن در ایران و وضعیت کاری کارگران می‌پردازد. هدف گرداندگان روزنامه خاطر نشان ساختن اهمیت معدن در وضعیت کنونی کاهش درآمدی رژیم از فروش نفت است. و در کنار آن با پرداختن به گوشه‌های تعدیل یافته‌ای از وضعیت کارگران می‌خواهد به سران رژیم بفهماند که با توجه به اهمیت قضیه باید به وضعیت ترمیم نیروی کار از دست رفته‌ی کارگران معدن جهت تداوم استثمار عرصه بیشتر نیروی کار توجه شود.

البته گزارشگر مزدور روزنامه بلافاصله از زبان یکی از مسئولین به سرمایه‌داران و سران رژیم خاطر

و فرهنگی است که کارگران را به فرهنگ استثمار مانوس سازد. مسئول مزبور این موضوع را چنین تصریح می‌کند: "برای برطرف شدن بسیاری از مشکلات معدنچیان باید به مسئله آموزش و بویژه کارهای فرهنگی توجه شود. در حال حاضر شما ببینید در این مکان نه کلاس سوادآموزی وجود دارد و نه از مبلغین مذهبی خبری است و نه کتابخانه‌ای... وقتی کارگر از مشکلات عمومی جامعه‌اش خبر داشته باشد و قدرت تفکر او را پرورش بدیم توقعش را نسبت به خواسته‌های غیر منطقی یائین آورده‌ایم. تاکنون چندین بار مبلغین به اینجا آمده‌اند و بخاطر شرایط بد محیط نمانده و رفته‌اند... و اینها از مسائل زیربنایی است که باید بدان توجه شود. حل کردن مشکلات پوسته‌های مادیات یک راه حل موقت



نشان می‌سازد که هدف از طرح این موضوع به هیچ وجه انجام اقداماتی از قبیل بالا بردن دستمزد کارگران، بهبود شرایط ایمنی و بهداشتی کارگران و در یک کلام اقداماتی که درصد سود سرمایه‌داران را تقلیل دهد نیست. بلکه صرفاً فعالیت آموزشی

است و دوام چندانی ندارد. علی‌رغم اینکه گزارشگر مزدور روزنامه‌ی جمهوری اسلامی بنا به ماهیت ارتجاعی‌اش فقط گوشه‌هایی از وضعیت کاری کارگران معدن را بیان کرده است، ولی همین اندازه نیز آئینه‌ی تمام نمای سیاستهای ارتجاعی رژیم

در قبال کارگران است. در این گزارش راجع به وضع کارگران معدن چنین می‌خوانیم: "اغلب کارگران این قسمت (بخش سینه‌کاری) از کمبود بهداشت در محیط و ضربه‌پذیر بودن کارگران در مقابل حوادث کلایه دارند. از ۵ نفر کارگر این شیفت ۳ نفرشان تاکنون دچار سانحه گردیده‌اند که خوشبختانه به خیر گذشته است... درباره سخنی کار کارگران سینه‌کار، مهندس معدن معتقد است که با توجه به امکانات موجود چاره‌ای جز کار کردن به این شیوه نداریم ولی در صورت داشتن امکانات مکانیزه حتما از اینگونه کار کردن باید جلوگیری کنیم. چراکه هر لحظه این کار خطر آسیب‌پذیری دارد."

گزارشگر سپس به درج سخنان کارگران می‌پردازد. یکی از کارگران می‌گوید: "مدتی است در برخورد با لوکومونیو داخل تونل صدمه دیدم و وقتی به بیرون از اینجا منتقل شدم بعلت قطع مزایای تونل که در ماه حداکثر مبلغ ۱۳۰۰ تومان بیشتر نمی‌شود نتوانستم زندگی خانواده‌ام را تامین نمایم و به اصرار خودم دوباره به اینجا برگشتم."

و کارگر دیگری در تشریح وضعیت کارگران چنین ادامه می‌دهد: "بخاطر نبودن امکانات بعضا غذاها در اینجا فاسد می‌شود (از جمله شیر) و کارگرانی که باید با خوردن غذای مقوی آمادگی کار سخت را داشته باشند مسموم میشوند. کمیت و کیفیت غذا بسیار کم است، در صورت گرفتاری اگر یکروز بسر کار نیائیم به میزان ۱۰ ساعت از اضافه کاریمان قطع میشود. وضعیت استخدامی هنوز مشخص نیست، پس از ۱۵ سال کار هنوز کارگر ساده هستیم، در شهرک کارگری مهماندوست که خانواده‌هایمان آنجا ساکن هستند امکانات اولیه نیز موجود نیست و شرکت میگوید بوجه نداریم. بدلیل فقر فرهنگی شهرک و نبود امکانات

اغلب ساکنین به اعتیاد رو آورده‌اند. مشکل مسکن کارگران هنوز حل نشده است، به کارگران روستایی وام مسکن تعلق نمی‌گیرد. وضعیت بهداشت در منطقه خوب نیست. با دکتور خارجی بهداری نمیتوانیم صحبت کنیم در حالی که دکتورهای ایرانی در بهداری شهرعا هستند. آمبولانس در محوطه معدن نیست در حالی که چند آمبولانس مجهز را در شهر نگهداری میکنند.

به شرایط ایمنی و بهداشتی

کارگاهها هر ۲۰ سال

یکبار رسیدگی می‌شود

هدف سرمایه‌داران فقط کسب سود هرچه بیشتر است، و برای نیل به این هدف شوم آنچه که برای آنان اعمیتی ندارد جان کارگران است، به ویژه در جامعه‌ای مثل ایران که وجود خیل عظیم بیکاران جایگزینی نیروی کار جدید را راحت‌تر می‌کند. بر این اساس است که سرمایه‌داران دیگر هیچ گونه نیازی به صرف کردن هزینه برای تامین سلامتی و ایمنی کارگران در محیط کار را نمی‌بینند. معاون وزارت کار و امور اجتماعی رژیم می‌گوید: "تمام سرمایه ما ۱۴۰۰ بارس کار است که اکثر نیروهای کیفی آنها در آستانه بازنشستگی فرار دارند. در وضع موجود با توجه به آمارگیریهای انجام شده در سال ۶۴ یک میلیون و ۴۰۰ هزار کارگاه فعال داریم که اگر این تعداد را به ۱۴۰۰ بارس کار موجود تقسیم کنیم هر نفر بارس مسئول ۱۰ هزار کارگاه خواهد بود که اگر بارس فعال باشد و عمر مفید خدمتی او در سال ۳۳۳ روز به حساب آید هر ۲۰ سال یک بار خواهد توانست به یکی از این کارگاهها سرکشی کند. اگر کارگاههای یک تا پنج نفره را هم حذف کنیم هر ۷ تا ۸ سال یک بار نوبت بارس به کارگاهها خواهد رسید." (اطلاعات، ۴ شهریور ۶۵)

دولت چین به رژیم جمهوری اسلامی اسلحه می‌فروشد

بخش دیگر معامله مربوط به خرید دهها موشک زمین به زمین است که شعاع آنها بیش از ۳۰۰ کیلومتر است. رژیم از این موشکها برای هدف قرار دادن بغداد استفاده می‌کند.

تخمین زده می‌شود که حجم این معاملات بیش از ۳۰۰ میلیون دلار باشد.

طبق گزارش روزنامه‌های "تایمز مالی" و "آبزرور" انگلیس، رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی جهت خریداری تسلیحات نظامی برای ادامه جنگ، با دولت چین وارد معامله شده است. بخشی از این معامله مربوط به خرید دهها هواپیمای ۷-۱ است که دولت چین آن را بر اساس مدل هواپیماهای میک ۲۱ شوروی می‌سازد.

چراغی که به خانه رواست به مسجد حرام است!

که دنیا خیلی از آن می‌ترسد و دریچه جدیدی است این است که آن وحشتی که دنیای اسلام از جنگ طولانی داشت، از بین رفت. جنگهایی مثل مصر و اسرائیل که شروع می‌شد، پس از دو سه روز جنگ، همه متوحش می‌شدند و استقبال می‌کردند که جنگ خاموش شود. الان منطقه فهمیده که جنگ دراز مدت را به خوبی می‌تواند تحمل کند. این باور مردم شده است.

روزنامه‌ی جمهوری اسلامی در سرمقاله‌ی شماره‌ی ۱۵ مهرماه خود با برررسی اعلام می‌کند: "رزمندگان اسلام، صلح و آرامش را به ملت‌های منطقه ارزانی میکنند." این روزنامه‌ی ارتجاعی در حالی این جملات را می‌نویسد که رفسنجانی مفهوم "صلح و آرامش" اهدایی جمهوری اسلامی به مردم منطقه را چنین توصیف کرده است: "از چیزهایی"

رژیم سوبسید تاکسی‌ها را قطع کرد

توده‌های زحمتکش نیز خواهد افزود. رئیس مزدور هیات مدیره‌ی صنف تاکسی‌رانان تهران در رابطه با قطع سوبسید چنین می‌گوید: "اخیرا ستاد بسیج اقتصادی با تشکر از همکاری رانندگان تاکسی به وزارت کشور اعلام کرد که از تاریخ ۲۷/۶/۶۵ سوبسید تاکسی‌ها قطع شده است. جهت پاسخ کوبی به گوشه‌ای از خدمت این ایثارگران، رانندگان تاکسی می‌توانند از روز پنج شنبه برای ورودیه هر مسافر به جای ۱۰ ریال ۱۵ ریال در تاکسی متر خود محاسبه کنند."

رژیم ورشکسته‌ی جمهوری اسلامی در مقابله با روند فزاینده‌ی بحران اقتصادی چاره را در انتقال عرجه بیشتر بار بحران بر دوش توده‌های زحمتکش یافته است. قطع سوبسید تاکسی‌ها از جمله اقدامات اخیر رژیم در این راستا است. اما رژیم با تغییر نرخ ورودیه‌ی مسافرتین تاکسی‌ها از ۱۰ ریال به ۱۵ ریال سعی می‌کند تاکسی‌رانان را راضی نگه دارد. این تغییر نرخ ورودیه نه تنها نمی‌تواند زیان ناشی از قطع سوبسید را جبران کند، بلکه بر مشکلات اقتصادی دیگر

عملیات پخش مسلحانه

ایران شهر - آشار

عمرزمان با عملیات رفقای فدایی در منطقه شمالی بلوچستان در تاریخ ۱۰/۵/۷۵ سه تیم از سرمچاران فدائی، روستای افشان واقع در سه کیلومتری آشار از توابع ایران شهر را شبانگاهان به کنترل خود در آورده اقدام به پخش مسلحانه اعلامیه و شعار نویسی نمودند. توسط یک تیم از سرمچاران شعارهای سازمان از قبیل: سرنگون باد رژیم



جمهوری اسلامی - برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق، حق ملل در تعیین سرنوشت حق مسلم آنهاست، مرگ بر امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا و پایگاه داخلی، و شعارهای بامی استار بزیان محلی: بیروشات اسلامی جمهوری ادیبیت راجی دمکراتیکین جمهوری، و شی عاقبت دست ء کرک کومانی المین حق انت و ... بر تمام دیوارهای روستا نوشته شد. در همان حال تیم دیگر به پخش اعلامیه عملیات انفجاری بامی استار و برنامه عمل سازمان در سطح روستا و خانه به خانه اقدام نمود.

طی این مدت یک تیم از سرمچاران به محافظت از دو تیم دیگر، تمام روستا را به کنترل خود در آورده بود. بعد از اتمام عملیات پخش و شعار

"توده ایها" در همه حال در خدمت "استراتژی" شان هستند

" رهبران حزب توده به اتفاق ۱۸ نفر از دیگر مسئولان شاخه های مختلف این حزب منحل سرکرم تدوین چند جلد کتاب ارزشمند هستند که برای تاریخ ایران مایه عبرت و مستندات خوبی خواهند بود."

لازم به یادآوری است که یکی از این "مستندات" را روزنامه ای اطلاعات اول مهرماه با درج سروده های "به آذین" در زندان ارائه می دهد. "به آذین" در این "مستندات" خود می نویسد: "همان بود و همان است او خمینی،

رغم برحق بین ستون خیمه است، خمینی، یاسدار وحدت اسلام،

پرچمدار استقلال و آزادی، خمینی، مژده بخش زندگی،

سامان ده پیروزی مردم، ..."

□

رئیس مزدور سازمان زندانهای رژیم طی مصاحبه ای اخیر خود با وقاحت و بی شرمی اعلام می کند: " امروز زندانهای مخصوص گروهکها تا حد زیادی خلوت شده اند و طی دو سال اخیر حدود نصف کل زندانیان گروهکی آزاد و یا مشمول عفو شده اند ... هدف قوه قضائیه از زندانی کردن اشخاص انتقامجویی از آنها نیست بلکه هدف بازداشتن مجرم از ارتکاب جرم بیشتر، صیانت و حفاظت جامعه از آلودگی بیشتر و بالاخره ایجاد زمینه لازم برای بازپروری انسانی که بیماری فکری، اخلاقی و اجتماعی است میباشد." این مزدور سپس به پیگیری رهبران حزب " طراز نوین " توده در تشبیت استراتژی شان یعنی جمهوری اسلامی در زندان اشاره کرده و می گوید:

جهت ارباب توده ها مانور "جنگ شهری" توسط مزدوران اجرا شد

سایه این حمایتها بتوانیم از وظایفی که به عهده ما گذاشته شده است به خوبی برآئیم."

همچنین در تاریخ ۲ مهرماه به منظور ارباب توده ها " مانور جنگ شهری " توسط مزدوران بسیجی در سطح تهران به اجرا گذاشته می شود. روزنامه ای اطلاعات سوم مهرماه در این رابطه می نویسد: " این عملیات که از ساعت ۲۰ شب آغاز و تا ساعت ۲۲ ادامه یافت، شامل ایست و بازرسی، تعقیب و مراقبت، بازرسی و تعقیب اتومبیل تحقیق و شناسایی و کنترل گذرگاهها و دیگر عملیات شهری بود که بمنظور حفظ و آمادگی و مقابله با هر گونه حوادث احتمالی توسط بسیجیان جان بر کف اجرا شد."

□

با گذشت ۶ سال از جنگ ارنجایی و روشن شدن اذهان مردم در رابطه با ماهیت ارتجاعی جنگ و رژیم جمهوری اسلامی و گسترش روزافزون تمایلات انقلابی ضد جنگ در بین توده های زحمتکش هفته جنگ امسال نیز به هفته عجز و التماس و به کارگیری زور سرنیزه برای روشن نگه داشتن تنور جنگ از سوی سران مرتجعین تبدیل شد.

رفسنجانی مرتجع در سخنرانی خود به مناسبت آغاز "هفته جنگ" می گوید: " در این هفته جنگ، من از ملتمان خواهش می کنم که توجه خاصی به برنامه ' هفته جنگ ' داشته باشند که سازنده است و امیدوارم این موجی که امروز به طرف جبهه ها می رود، روزافزون باشد و ما هم به شما قول می دهیم که در

چند خبر از ایران

خبرهای زیر را یکی از مسافرانی که اخیراً به خارج آمده است، در اختیار جهان گذاشته است:

■ شرکت الیاف (کارخانه الیاف) حدود ۱۷۰۰ نفر پرسنل داشته و درجاده قدیم کرج روبروی یادگان دیوی ارتش قرار دارد. این کارخانه که مواد اولیه اش از کشورهای اروپایی به خصوص آلمان وارد می شود در چند ماه اخیر که رژیم با کمبود ارز مواجه شده و نتوانسته مواد اولیه این شرکت را تامین کند به مدت ۶ ماه تعطیل می شود و اکنون نیز با حالتی نیمه تعطیل اداره می گردد! مدیریت کارخانه تعدادی کارگر جدید را از کارخانه بدون دادن پولی اخراج کرده و کارگران دیگر را که بیکار هستند با ایجاد فشار و زور وادار به رفتن به جبهه می کند که در صورت نرفتن کارگران به جبهه آنها را اخراج می کند. ■ مواد غذایی در سطح شهر تهران به شدت نایاب و قیمتها سرسام آور هر

در آمد عم اکنون دارو و شیر خشک حتی در بازار سیاه هم به شدت به سختی کیر می آید.

■ نارضایتی مردم از افزایش مالیاتها و قطع آب و برق به شدت اوج می گیرد اعتراضهای پراکنده در صفها و اجتماعات زحمتکشان شدیداً چشمگیر شده است و کارگران و زحمتکشان همه جا از فلاکت و بدبختی که گریبانگیرشان شده است سخن می گویند و هر یک به نحوی نارضایتی خویش را عنوان می کند یک کارگر کارخانه الیاف می گفت که من با همسر و ۴ فرزندم چگونه

لحظه افزایش می یابد مثلاً دولت کره را مواد غذایی تشریفاتی اعلام نموده و از دادن کوین آن سر باز زده است قیمت کره در بازار سیاه که تا به حال بین ۱۳۰۰ تا ۱۵۰۰ ریال فروخته می شد اکنون تا ۳ برابر افزایش یافته و این خود عاملی است که طبقه زحمتکش جامعه از خرید مواد غذایی محروم شود.



صف خرید دارو: کمبود دارو یکی از مشکلات عمده در جمهوری اسلامی است.

می توانم با ۴۵۰۰ تومان حقوق که ۲۰۰۰ تومان آن را برای اجاره می پردازم ابتدایی ترین احتیاجات خانواده ام را برآورده کنم تازه از یک طرف صاحبخانه فشار می آورد و می گوید که یا باید کرایه را زیاد کنی و یا از اینجا بروی و از طرف دیگر دولت با قوانین جدیدش در مورد مشاغل چند درصد از همین حقوق ناچیزمان را به یغما می برد.

■ در رابطه با قطع مداوم آب و برق به طور دائمی روزی ۸ تا ۱۲ ساعت که در این فصل طاقت فرساست زحمتکشان را وادار به اعتراضهای پی در پی در مناطق و ارگانهای قضاوت نموده است. زحمتکشان همه جا با تمسخر رژیم از آب و برق صحبت می کنند و از این وضع شدیداً نگرانند. □

■ کمبود مواد پلاستیکی در این چند ماه اخیر به اوج خود رسیده و این کالا نیز مانند بسیاری از کالاهای دیگر کمیاب شده و با قیمت هایی کاذب به صورت غیر قابل دسترس در آمده است.

■ رژیم به دستمال کاغذی نام کالاهای لوکس را داده است و بدین منوال باید سراغ آن را با قیمت های چند برابر در بازار سیاه گرفت.

کمبود شیر خشک و دارو یکی از بزرگ ترین مشکلات زحمتکشان جامعه می باشد رژیم که با هیاهو و سر و صدای فراوان مبنی بر کشف باند احتکار شیر خشک و دارو گفته بود که ما تا ۱۷ سال از ورود آنها بی نیاز هستیم این بار نیز رسواتر در نزد زحمتکشان با ادعاهای تو خالی

نویسی که چهل دقیقه بطول انجامید، سرمچاران فدائی با نظمی انقلابی عقب نشینی نموده و به سلامت به پایگاه خویش بازگشتند.

طبق اخبار واصله، مزدوران مسلح رژیم روز بعد از عملیات پخش تمام راههای منطقه را کمین گذاشته و به تفتیش ماشینها پرداخته اند. و در این رابطه به یکی از خودروهای شخصی تیراندازی نموده که ماشین در اثر اصابت کلوله ها سوراخ، سوراخ شده است. سرنشینان خودرو توسط مزدوران دستگیر و به شدت شکنجه شده اند. از سرنوشت بعدی آنان اطلاع دقیقی در دست نیست. (به نقل از بامی استار، شماره ۴۷، مرداد ۶۵) □



کشتارده تن از مجاهدین توسط اتحادیه میهنی کردستان عراق را محکوم می کنیم

عم میهنان مبارز!

نیروهای انقلابی و مترقی!

فریب ۷ سال از هجوم کبترده رژیم ضد خلفی جمهوری اسلامی به کردستان می گذرد، در این یورش سبعانه رژیم با استفاده از پیشرفته ترین سلاحهای مرکب، بمباران مناطق مسکونی، کشتار بی رحمانه و شیوه های قرون وسطایی تلاش نموده است جنبش خلق کرد را سرکوب کند. علاوه بر این سیاست محاصره اقتصادی، کوچ دادن اجباری اعمالی کردستان به سایر مناطق ایران، فشار سیاسی و ایجاد جو ارباب در مناطق تحت کنترل این رژیم عمواره از سوی جمهوری اسلامی اعمال گردیده است.

مقاومت دلاورانه خلق کرد در نبرد نابرابر با رژیم جمهوری اسلامی به خاطر احقاق حقوق دموکراتیک و تعیین حق سرنوشت خویش تا به امروز تداوم یافته است و مبارزه عمه جانبه زحمتکش کردستان علیه رژیم با اشکال گوناگون ادامه دارد، اگرچه در عمین دوره لطعات جبران ناپذیری، به ویژه طی دو سال گذشته از جانب دو سازمان محلی، حزب "دموکرات" کردستان ایران و حزب "کمونیست" کومهله به خلق کرد وارد شده است که توضیح پیرامون آن از حوصله این اطلاعیه خارج است و سازمان ما مکررا و به موقع به افشای سیاست آنان و مصائب ناشی از روشهای انحرافی و سازشکارانه آنها پرداخته است. سیاست مذاکره و سازش حزب "دموکرات" کردستان ایران با رژیم جمهوری اسلامی نیز که به جای کمک به سرنوشتی این رژیم طی ۲ سال گذشته صورت گرفته است، عملا موجب تقویت رژیم جمهوری اسلامی در منطقه را فراهم نموده است.

امکان آکامید که جنگ ارتجاعی ایران و عراق و سیاست جنگ افروزانه رژیم جمهوری اسلامی تاکنون به قیمت قربانی شدن صدعا هزار نفر و معلول، آواره و اسیر شدن تعداد بی شماری از زحمتکش میهنان منجر شده است و رهبران رژیم جمهوری اسلامی هر روز کوره جنگ را داغ تر می کنند و برای بیفای ننگین حکومت جابرانه خود عموطنان بیشتری را به کام مرگ می کشانند. در دنباله همین سیاست کبترش جنگ می باشد که رژیم جمهوری اسلامی تلاش نمود با ایجاد رابطه نزدیک تر با اتحادیه میهنی کردستان عراق این جریان را در خدمت اهداف خود قرار دهد و به تقویت جبهه جنگ در کردستان بپردازد. اکنون بیش از یک سال است که رژیم جمهوری اسلامی موفق شده است با ایجاد مناسبات نزدیک تر با اتحادیه میهنی کردستان عراق (یه کتی) رابطه و همکاری عمه جانبه خود با اتحادیه میهنی را کبترش دهد و در حال حاضر این مناسبات در حد همکاریهای سیاسی و نظامی می باشد. به طور مثال مدنهادست که یاسداران جمهوری اسلامی در منطقه کردستان عراق (بخش تحت کنترل اتحادیه میهنی کردستان عراق) در رفت و آمد می باشند و طبق ادعای رژیم جمهوری اسلامی این روزها چند عملیات مشترک نیز داشته اند، البته آنچه مسلم شده است ادعای اخیر رژیم ایران مبنی بر تصرف "کرکوک" یکی از شهرهای مهم عراق با همکاری اتحادیه میهنی کردستان عراق (جلال طالبانی) صحت ندارد و عملیات آنها در منطقه کردستان به تصرف کرکوک منجر نشده است. اما عمین ادعای رژیم جمهوری اسلامی

و این واقعیت که یاسداران رژیم می توانند برای ضربه زدن به عراق بیش از صد کیلومتر از مسیر منطقه تحت کنترل اتحادیه میهنی وارد خاک عراق شوند، همکاری عمه جانبه اتحادیه میهنی کردستان عراق با رژیم جمهوری اسلامی را اثبات می نماید. علاوه بر این امروز دیگر حضور یاسداران در منطقه استقرار اتحادیه میهنی بر هیچ کس پوشیده نیست.

به دنبال برقراری مناسبات حسنه بین رهبران جمهوری اسلامی و اتحادیه میهنی کردستان عراق (جلال طالبانی) نوطنه های شومی در منطقه یکی پس از دیگری علیه نیروهای ایورسیون ایران به اجرا در آمد، در عمین رابطه از آنجا که سازمان چریکهای فدایی خلق ایران به عنوان تنها سازمان مارکسیست - لنینیست و مدافع واقعی طبقه کارگر بر مواضع انقلابی و استوار خود پای فشرده است و این راه بر افتخار را تا به آخر ادامه خواهد داد، آماج اولین نوطنه مسلحانه آنها قرار گرفت. نوطنه ای که در حقیقت به خواست رژیم جمهوری اسلامی و با همکاری قاسملو - طالبانی و عواداران شان تکوین یافت. اگرچه سازمان مجاهدین خلق نیز پس از دریافت خبر از فصد خیانت چند عنصر خودفروش از عیج اقدامی برای به اجرا در آمدن این نوطنه کوتاهی نکرد. آنها با به کارگیری چند عنصر خائن و خودفروخته، طرح حمله مسلحانه به مرکز فرستنده "صدای فدایی" را در چهارم بهمن ماه ۶۴ به اجرا در آوردند.

در آن زمان، غنکامی که مرکز فرستنده رادیویی سازمان به طور ناجوانمردانه مورد حمله مسلحانه قرار گرفت و رفقای ما به دفاع قهرمانانه پرداختند، کلیه مدعیان دروغین دموکراسی و طبقه کارگر، عمامنک و هم صدا از عیج گونه برجسب و افترا بی علیه سازمان ما فروگذار

نشندند. با این همه علی رغم ایجاد جو تشنج و یخش اکاذیب علیه سازمان، از طرف سازمانها و افراد متشکل در " کمیسیون تحقیق " اتحادیه میهنی کردستان عراق، ما به افشای ماعیت و منافع هر یک از آنها پرداختیم و به دفاع از مواضع اصولی سازمان قد برافراشتیم. توده های مردم ایران امروز بهتر می توانند پیرامون توطئه مسلحانه ۴ بهمن و اظهار نظر سازمانهای درگیر در آن قضاوت کنند. مردم ایران اکنون بیشتری به ماعیت تک تک آن جریانات خواهند برد. یکی از سازمانهایی که بیشترین جنجال را دامن زد، سازمان مجاهدین خلق به رهبری رجوی بود. آنها با استناد به اظهارات اتحادیه میهنی کردستان عراق و " کمیسیون تحقیق " شان که زینت بخش نشریات این جریانات ریز و درشت بود، تمامی استدلال خود را بر پایه گفته های " کمیسیون تحقیق " اتحادیه میهنی کردستان عراق قرار دادند و به تبلیغ علیه سازمان چریکهای فدایی خلق ایران دست زدند، اما امروز ملاحظه می کنید که هنوز سیاست ماجراجویانه و دروغ پردازیهای آنان علیه سازمان پایان نیافته است که " رادیو مجاهد " روز سه شنبه ۶۵/۷/۱۵ اعلام می دارد: " افراد مسلح وابسته به یهکتی به جنایت ناجوانمردانه و فجیعی علیه مقاومت ایران مبادرت ورزیدند، قاتلان جنایتکار بر روی ۱۰ تن از افراد یکی از واحدهای عملیاتی رزمندگان مجاهد خلق که در حین عبور از روستای مرزی پشت آشان به جانب خاک میهنمان بودند ناجوانمردانه آتش گشودند. به این ترتیب ۱۰ مجاهد خلق بدون اینکه قصد کوچکترین درگیری با افراد یهکتی داشته باشند به خاک و خون غلطیدند تا افشاگر دستهای یلید و ضد

۱۰ نفر از افرادی از واحدهای عملیاتی رزمندگان مجاهد خلق که در حین عبور از روستای مرزی پشت آشان به جانب خاک میهنمان بودند ناجوانمردانه آتش گشودند، به این ترتیب . . .

تا به توطئه مسلحانه اتحادیه میهنی کردستان عراق (به کی تبین) از جانب سازمان مجاهدین خلق، هنگامیکه مرکز لرستنده "مدای فداش" در ۳ بهمن ۶۴ آماج حمله ناجوانمردانه قرار گرفت.

ندبه و زاری سازمان مجاهدین خلق، هنگامیکه اتحادیه میهنی کردستان عراق (به کی تبین) به خود آتان حمله کرد و در یک توطئه مسلحانه دهن مجاهد کشته شد.

به نقل از رادیو مجاهد روز شنبه ۶۵/۷/۱۵

شماره ۳۸۱



اخیراً کمیسیون تحقیق اتحادیه میهنی کردستان عراق مبادرت به صدور اطلاعیهای پیرامون درگیری مسلحانه در داخل مقر مرکزی گروه اکتب نموده است. "مجاهد" زبلاً متن کامل اطلاعیهی مزبور را که با امضاء "کمیسیون تحقیق اتحادیه میهنی کردستان" به تاریخ ۱۵ فوریه ۶۴ (۲۱/۲ بهمن ۶۴) منتشر گردیده است، به آگاهی خوانندگان عزیز میرساند. همچنانکه از مفاد اطلاعیهی اتحادیه میهنی نیز - که سرانجام رأی مسئولیت تحقیق پیرامون این ماجرا را عهده دار شده است - برمی آید، نیازی به تذکر و تشریح نمی بچیم که نه شورای ملی مقاومت ایران و نه سازمان مجاهدین خلق ایران هیچگونه دخالت و مسئولیتی در تحقیقات مورد بحث نداشته اند.

ساخته قاسملو - طالبانی مرکز فرستنده رادیویی سازمان را اشغال کنند از نظر " رهبران " بی خرد مجاهدین ماعیت اتحادیه میهنی کردستان عراق چه بود؟! امروز دیگر بر هیچ کس پوشیده نیست که در پس تمامی عوام فریبی های مجاهدین، اتحادیه میهنی کردستان عراق، حزب " دموکرات " کردستان ایران و هواداران شان تنها یک هدف وجود داشت، آنهم ضربه زدن به سازمان چریکهای فدایی خلق ایران، مجاهدین در این باره حتی گوی سبقت را از دیگران ربودند و دست به عمل ننگینی زدند که در تاریخ جنبش انقلابی ایران بی سابقه بود، در شرایطی که سازمان ما آماج توطئه های رنگارنگ و کینه توزانه واقع شده بود و بخشی از تشکیلات کارگری سازمان در تهران ضربه خورده بود و ری شهری وزیر مزدور اطلاعات رژیم تبلیغاتی علیه سازمان به راه انداخته بود، " رهبران " مجاهدین خلق اقدام به انتشار علنی اسامی چند تن از اعضای کمیته مرکزی سازمان نمودند. در ادامه همین اعمال شرارت آمیز و خوش خدمتی به بورژوازی بود که آنها عکس چند نفر از هواداران سازمان در فرانسه را که به عنوان اعتراض به انتشار علنی اسامی اعضای کمیته مرکزی سازمان اقدام به یخش تراکت کردند در نشریاتشان به چاپ رساندند،

مردمی باشند که در خوش خدمتی به جلا د جماران و قاتل بزرگ کرد و فارس در ایران از هیچ جنایتی فروگذار نمی کنند. به این ترتیب روشن گردید افراد مسلح گروه یهکتی که بر روی رزمندگان مجاهد آتش می کتایند عملاً در این منطقه مرزی در ردیف یاسداران مزدور خمینی قرار گرفته و بر علیه مقاومت عادلانه مردم ایران به نیابت از سوی یاسداران خمینی عمل می کنند.

حال پرسیدنی است به راستی چه شد که یکباره یهکتی (اتحادیه میهنی کردستان عراق) " قاتل " جنایتکار، " یلید و ضد مردمی "، " خوش خدمت جلا د جماران " و در ردیف " یاسداران مزدور خمینی " قرار گرفته است؟! چگونه شد که در چهارم بهمن ماه که مرکز فرستنده رادیویی سازمان چریکهای فدایی خلق ایران طی توطئه ای مورد حمله مسلحانه همین جریانات قرار گرفت، آنوقت یهکتی برای مجاهد قاضی عدل الهی بود و گفته های شان آذین بخش مجاهد و ...؟! آیا ان روز که سازمان چریکهای فدایی خلق ایران در دفاع از حقانیت سیاسی - ایدئولوژیک و تشکیلاتی اش دلاورانه مقاومت کرد و اجازه نداد چند عنصر خود فروخته با همکاری و طرح از پیش

آنها بارها به پلیس کشورهای امیرالیستی مراجعه کردند تا با کمک آنها موجب تضییقات و سد کردن فعالیت‌های سازمان در خارج از کشور را فزاعم سازند، اگرچه آنها با انتشار علنی اسامی و چاپ عکسها بیشترین خدمت را به رژیم جمهوری اسلامی نمودند و لطماتی را به سازمان وارد کردند.

"رهبری" مجاهدین خلق برای تکمیل اعمال یست خود دست دوستی به همه بدخواهان مردم ایران دراز کردند، از حزب توده و اکثریتی‌های ضد انقلاب و خائن که کارنامه سیاه و جنایت‌های بی‌شمارشان علیه نیروهای انقلابی و مردم ایران فقط در دادگاه خلق قابل بررسی است، تا بدنام‌ترین جریانات و سفیلکان سیاسی امثال راه کارگر (محفل نخبه حزب توده ایران) مجاهدین یک صدا با توده‌ای‌ها و اکثریتی‌هایی که تا دیروز در خدمت به خمینی و عیات حاکمه ایران از هیچ جنایتی فروگذار نبودند و امروز هم خمینی است که به خوش خدمتی آنان برای جمهوری اسلامی پایان داده و نه اعتقاد این جنایتکاران، فریاد برآوردند که در سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران دموکراسی نیست؟! مجاهدین خلق با کسانی هم‌آواز شدند (حزب توده و اکثریتی‌ها) که سالها به ستایش یکی از خونخوارترین دیکتاتورها بنام خمینی، شناخته شده بودند و ننگ ابدی آن را هرگز از خود و سازمانشان نمی‌توانند پاک کنند.

کسانی که با حزب جمهوری اسلامی عساز شدند، به تقویت رژیم جمهوری اسلامی کمر بستند، همیای پاسداران رژیم انقلابیون را شکنجه کردند، نیروهای انقلابی را طعمه پاسداران رژیم کردند، دوشادوش مزدوران خمینی در کردستان و سایر مناطق به سرکوب خلق‌های تحت ستم پرداختند و همه جا پیشاپیش حزب‌الله و پاسداران،

با عریه‌کشی و استفاده از ابزار قتاله به نیروهای انقلابی حمله‌ور شدند و انقلابیون را به شهادت رسانند و سرانجام با به خاک سپردن حزب جمهوری اسلامی و رهبران رژیم بساط ننگین آنها نیز برچیده خواهد شد.

اما امروز تاریخ درس آموزنده‌ای به مجاهدین می‌دهد. هنوز يك سال از جنجال‌های آنان علیه سازمان ما نگذشته است که " رادیو مجاهد " ادعا می‌کند " تاکنون بیش از بیست مورد اتحادیه میهنی کردستان عراق به مجاهدین حمله کرده است." بنا بر این معلوم می‌شود که در تمام مدت بیست مورد حمله ادعایی مجاهدین، رهبران آنها مشغول بند و بست با اتحادیه میهنی بوده‌اند و این حقیقت را نفهمیدند که اتحادیه میهنی کردستان عراق بر طبق ماهیت و منافع طبقاتی‌شان امروز با جمهوری اسلامی کنار می‌آیند و نه با مجاهدین!

" رهبری" مجاهدین این حقیقت را با چشم خود در منطقه کردستان می‌بیند که مقرر فرستنده رادیویی سازمان که به بهانه "تحقیق" به تصرف اتحادیه میهنی کردستان عراق در آمد، امروز جولانگاه پاسداران رژیم جمهوری اسلامی شده است، اما مجاهدین ترجیح دادند برای آنکه مورد سرزنش بیشتر واقع نشوند، در این باره سکوت اختیار کنند، مجاهدین خلق شاهد بودند که بارها به بهانه‌های واهی از حرکت رفقای ما به سوی جبهه نبرد با رژیم جمهوری اسلامی در منطقه جلوگیری شده است، اما مجاهد خبر آن را وارونه یخش می‌کرد، حتی هنگامی که سه

تن از رفقای ما را بی‌جهت اتحادیه میهنی دستگیر کردند، شکنجه کردند و درباره تشکیلات شهران از آنها اطلاعات خواستند، مجاهدین به آنها شادباش گفتند و این عمل اتحادیه را تحسین کردند. هنگامی که اتحادیه میهنی کردستان عراق بیش از ۱۰ میلیون تومان وسایل تکنیکی و رادیویی سازمان را ضبط کرد و هنوز در اختیار خود گرفته است و ازدادن آنها امتناع می‌ورزد، در همان حال مجاهد از خوشحالی در پوست خود نمی‌کنجد و شایعات بی‌اساسی را علیه سازمان دامن زد و به یمن امکانات مالی و کمک‌های کشور‌های امیرالیستی و دستگاه تبلیغات بورژوازی از نابودی ما داد سخن سر دادند، و امروز فریادشان بلند شده است که همین اتحادیه میهنی کردستان عراق قاتل مجاهد است. با این همه اکنون ما بنا به وظیفه انقلابی خود و به منظور جلوگیری از گسترش توطئه‌های بیشتر علیه ایوزیسیون ایران، حمله اتحادیه میهنی کردستان عراق به مجاهدین و کشتن ۱۰ تن از مجاهدین را شدیداً محکوم می‌کنیم. ما اعتقاد داریم که سازمان‌هایی که در برابر این کشتار سکوت اختیار کنند، عملاً به تقویت رژیم جمهوری اسلامی کمک کرده‌اند و در برابر توده‌های مردم ایران یاسخو نخواهند بود. ما اطمینان داریم هر نیرویی که بخواعد به جمهوری اسلامی خدمت کند و هر نوع کمک و یاری به این رژیم بنماید سرانجام چیزی جز ننگ و رسوایی برایش باقی نخواهد ماند.

مرک بر امیرالیسم جهانی به سرکردگی امیرالیسم آمریکا و پایگاه داخلی
سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق
ننگ و نفرت بر خودفروشان و عوام‌فریبان
زنده باد سوسیالیسم

سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران - کمیته خارج از کشور

۶۵/۷/۲۳ - ۱۵/۱۰/۸۶

دراثر آتش سوزی

۱۸۲ کارگر معادن طلا در آفریقای جنوبی کشته شدند

دریک آتش سوزی که در معادن طلای Kinross واقع در نزدیکی ژوهانسبورگ رخ داد، ۱۸۲ معدنچی کشته شدند. بنا به گفته صاحبان این معادن این آتش سوزی تصادفی بوده است، اما اتحادیه معدنچیان آفریقای جنوبی با رد این ادعا، خواستار بررسی چگونگی شروع این آتش سوزی به وسیله کارشناسان شد، که مورد مخالفت صاحبان معادن قرار گرفته است. بنا به گفته این اتحادیه، بسیاری از معادن در آفریقای جنوبی فاقد وسایل ایمنی اند.

به خاک سپاری قربانیان این فاجعه شرکت کردند و این مراسم را تبدیل به تظاهرات علیه رژیم نژادپرست و صاحبان معادن ساختند. همچنین ۶۰۰ هزار کارگر معدن با پشتیبانی از خواست اتحادیه معدنچیان مبنی بر یک روز تعطیلی در اول ماه اکتبر که به خاطر این واقعه اعلام شده بود، این روز را به یک اعتصاب عملی تبدیل کردند. آنان با برپا کردن اعتصاب و تظاهرات اتحاد و رمزندگی خود را به معرض نمایش گذاشتند. این اعتراض یک



پارچه کارگران جواب محکمی به ادعای صاحبان معادن مبنی بر تصادفی بودن واقعه در معدن طلای Kinross بود. آنچه مسلم است، کشته شدن کارگران معدن در آفریقای جنوبی نتیجهی مستقیم چپاولگری سرمایه داران در این کشور است. □

از اول این قرن تا کنون بیش از ۴۶ هزار کارگر معادن فریبانی چپاولگری سرمایه داران شده اند و بیش از یک میلیون نفر از آنان نیز زخمی شده اند. به دنبال آتش سوزی اخیر، بیش از ۳۰۰ تن از کارگران معدن در مراسم

راهپیمائی باشکوه

کارگران معادن بولیوی و اعلام

حالت فوق العاده در این کشور

در اواخر ماه اوت گذشته، به دنبال اعلام بیکاری ۷۰۰۰ تن از کارگران معادن قلع در بولیوی، هزاران تن از کارگران این معادن از نقاط مختلف در اعتراض به این سیاست ارتجاعی یک راهپیمایی ۴۴۰ کیلومتری را به سمت " لاپاز " پایتخت کشور، آغاز کردند. راهپیمایی باشکوه معدنچیان (که به واسطه تاریخچه مبارزاتی خود آگاهترین بخش از پرولتاریای صنعتی بولیوی را تشکیل می دهند) در ۵۰ کیلومتری پایتخت از جانب قوای نظامی متوقف گردید و بیش از ۱۶۰ نفر از آنان دستگیر شدند و تبعیدگاههای مختلف انتقال داده شدند و دیگر کارگران را نیز با زور اسلحه مجبور به برکشت به محل سکونت خود کردند.

پس از این واقعه دولت به مدت ۹۰ روز در سرتاسر کشور حالت فوق العاده اعلام کرد و مدعی گردید که اتحادیه های کارگری و سازمانهای چپ با این حرکت قصد سرنگونی دولت را داشتند. در مقابل این حرکت رهبران اتحادیه های کارگری " COB " که جزو رادیکالترین بخش از اتحادیه های کارگری بولیوی محسوب می گردند، از مخفیگاه زیرزمینی خود اعتصاب عمومی ۴۴ ساعته ای را برای روز ۳۰ اوت فراخواندند و اعلام کردند که در صورت عدم آزادی نظامر کنندگان و لغو فوری حالت فوق العاده دست به یک اعتصاب عمومی نامحدود خواهند زد. دولت در نتیجهی این تهدید، در روزهای بعد نزدیک به ۹۰ تن از کارگران مبارز را آزاد کرد.

بنابر آخرین گزارشهای رسیده بخش وسیعی از کارگران در حمایت از حرکت معدنچیان دست به اعتصاب

زده‌اند و تنها در لایز بیش از ۲۰۰۰ تن از کارگران عضو اتحادیه‌ی COB اعتصاب غذای نامحدودی را آغاز کرده‌اند.

لازم به تذکر است که دولت بولیوی در یکسال گذشته بیش از یک سوم از کارگران معادن قلع را با دستاویز قرار دادن "سقوط قیمت قلع در بازار جهانی" بیکار کرده است و در عین حال بخشی از این معادن را به بخش خصوصی سپرده است. اتحادیه‌ی COB نیز اعلام کرده است حاضر است تمام مسئولیت تولید، توزیع و فروش در معادنی را که دولت "ورشکسته" اعلام می‌کند به عهده بگیرد و در آنها کنترل کارگری اعمال کند. □

اعتصابات و حرکت‌های اعتراضی

مردم برزیل اوج می‌گیرند

در سه ماه گذشته مبارزات کارگران برزیل برای اضافه حقوق و بهبود شرایط کار اوج چشمگیری داشته است. طی این مدت، بیش از یک میلیون نفر از کارگران با برپایی اعتصابات و حرکت‌های اعتراضی مخالفت شدید خود را با وضعیت نابسامان کنونی نشان داده‌اند. چنین رشدی در مبارزات کارگران برزیل در شرایطی اتفاق می‌افتد که دولت جدید این کشور در ماه مارس، قانونی در مورد وضعیت دستمزدها تصویب کرده بود و قرار بود که طی آن "کنترل شدیدی" در مورد دستمزدها به عمل آورد.

اوج‌گیری مبارزات کارگری در حقیقت

بی‌اثر بودن این اقدام و یوچ بودن ادعاهای دولت را ثابت می‌کند. از ماه مارس تاکنون، تنها ۸۰۰،۰۰۰ تن از کارمندان بانک و ۳۰۰،۰۰۰ معلم دست به اعتصاب زده‌اند. و در حال حاضر اعتصاب چندصد هزار نفری کارگران نیشکر و صنایع، دولت جدید را برای

انگلستان - توطئه بر علیه اعتصاب کارگران چاپ با شکست روبرو شد

با توجه به وضعیت اعتصاب در ماه‌های پیش، در بالا بردن روحیه‌ی کارگران و افزایش فعالیت‌هایشان نقش مهمی خواهد داشت. هم‌اکنون اثرات این موفقیت بر حرکت‌های اعتراضی کارگران قابل مشاعده است. برپایی تظاهرات گسترده و رویارویی با پلیس از جمله نشانه‌های مثبت و امیدوار کننده‌ای است که در هفته‌های اخیر به وقوع پیوسته است.

بی‌کجان مبارزه‌ی غرور آفرین کارگران اخراج شده‌ی چاپ برای رسیدن به خواسته‌های اصولی و برحق خود علی‌رغم موانع بی‌شمار موجود ادامه خواهد یافت. متجاوز از ۹ ماه اعتصاب و قاطعیت در برابر همه‌ی توطئه‌ها و سازش‌ها بهترین گواه بر اثبات این مدعاست. □

با رد قاطعانه‌ی پیشنهاد آخر مرداک، صاحب امتیاز نشریات شرکت نیوز اینترنشنال توسط کارگران این شرکت، اعتصاب ۹ ماهه‌ی کارگران چاپ وارد مرحله‌ی جدیدی شده است. این تحول در اعتصاب کارگران چاپ در زمانی رخ داد که اعتصاب به دلیل خیانت‌های رهبران و بی‌تفاوتی جنبش کارگری این کشور در قبال آن، طی چند ماه گذشته با افتی طولانی روبرو شده بود. کارگران با رد قاطعانه‌ی این پیشنهاد برخلاف توصیه‌های رهبرانشان، نشان دادند که اعتصاب نه بر سر پول و یا تمکین به برخی از خواسته‌های ظاهر فریب، بلکه در واقع مبارزه برای برپا نگه‌داشتن و به چنگ آوردن حقوقی است که به طور وحشیانه از سوی مرداک مورد تجاوز قرار گرفته است. از این روست که این موفقیت



با توجه به روند افزایش اعتصابات و حرکت‌های اعتراضی و ناراضی‌شدیدی که در بین مردم برزیل در مورد سطح نازل دستمزدها وجود دارد، برپایی اعتصاب عمومی در آینده‌ای نزدیک تر امرن محتمل است. □

اولین بار در وضعیت وخیمی قرار داده است. و با در نظر گرفتن چنین وضعیتی است که کنفدراسیون اتحادیه‌های کارگری CUT، روز ۲۳ اکتبر را روز اعتصاب عمومی برای ۱۲ میلیون عضو اتحادیه تعیین کرده است.

دولت آلمان شرقی راه پناهندگان به آلمان غربی را می بندد

می‌زند. هر ساله تعداد بسیاری از ایرانیان به دلایل سیاسی، مشمول بودن و غیره جهت کسب پناهندگی سیاسی از کانال برلن شرقی به برلن غربی سفر می‌کردند.

تصمیم جدید دولت آلمان شرقی کسب پناهندگی سیاسی در کشورهای اروپای غربی را تقریباً غیر ممکن می‌سازد. در گذشته نیز دولت آلمان شرقی برای حفظ رابطه‌ی حسنه با دولت آلمان غربی و همچنین در ازای کسب برخی امتیازات محدودیتهای مشابهی به وجود آورده بود. □

دولت آلمان شرقی اخیراً پس از مذاکرات خود با نمایندگان حزب سوسیال دموکرات آلمان غربی، موافقت کرد که از اول ماه اکتبر، به پناهندگانی که ویزای معتبر آلمان غربی و یا یکی از کشورهای اروپای غربی را دارا نباشند، اجازه‌ی خروج از برلن شرقی به برلن غربی را ندمد.

این حرکت دولت آلمان شرقی پیش از همه به پناهندگان کشورهای تحت سلطه به طور اعم، و ایرانی‌ها و تامیل‌ها - که اکثریت پناهندگان را تشکیل می‌دهند - به طور اخص ضربه

کارکنان بخش خدمات

دولتی در فرانسه دست به

اعتصاب يك روزه زدند.

روز سه‌شنبه ۲۱ اکتبر به درخواست اتحادیه‌های کارگری در فرانسه کارکنان صنایع برق، گاز، ترانسپورت و کارکنان رادیو، تلویزیون، پست، معلمین مدارس و دیگر کارکنان خدمات دولتی در این کشور دست به يك اعتصاب عمومی يك روزه زدند.

این اعتصاب در اعتراض به سیاستهای دولت دست راستی ژاک شیراک که منجر به کم شدن قدرت خرید کارگران و همچنین طرح دولت مبنی بر برکناری بیش از ۱۹۰۰ تن از کارکنان این بخش در سال آینده‌ی مسیحی، صورت پذیرفت.

در اثر این اعتصاب اکثر قطارها و اتوبوسها و دیگر وسایل نقلیه‌ی عمومی از کار باز ایستادند، تولید برق ۴۰ درصد کاهش یافت و اکثر موسسات عملاً به صورت تعطیل در آمدند.

در این روز ۶۹ تظاهرات و راه‌پیمایی از سوی کارگران و کارکنان بخش دولتی در سراسر فرانسه صورت گرفت.

در اثر پیوستن کارکنان فرودگاهها به اعتصاب، در فرودگاههای بین‌المللی پاریس تنها ۱۳۰ پرواز از ۹۰۰ پرواز روزانه صورت پذیرفتند.

همچنین رهبر اتحادیه‌ی معلمان فرانسه اعلام داشت که بیش از ۸۰ درصد معلمان در این روز به اعتصاب پیوستند.

رهبران اتحادیه‌های کارگری آکسیون این روز را کاملاً موفقیت‌آمیز ارزیابی کردند. □

رژیم آپارتاید در مورد سیاهان سیاست کوچ اجباری را اتخاذ می‌کند

زندگی از جمله آب و برق است، خراب کند و با ساختن خانه‌های مدرن این منطقه را به سفیدپوستان اختصاص دهد. اخیراً دولت برای مجبور ساختن مردم این منطقه به تخلیه‌ی خانه‌هایشان، اقدام به بمب گذاریهای پی در پی و بیورش به خانه‌های فعالین محلی کرده است که موجی از خشم و نفرت نوده‌ها را علیه این دولت فاشیست برانگیخته است. □

به دنبال تصمیم دولت نژاد پرست آفریقای جنوبی مبنی بر جا به جا کردن بیش از ۱۰،۰۰۰ نفر از سیاهپوستان منطقه‌ی غربی ترانس وال (Transvaal)، صدها نفر از آنان دست به اعتراض زدند. دولت آفریقای جنوبی درصدد است که با تخلیه‌ی سیاهپوستان این منطقه، اماکن مسکونی آنان را که خرابه‌هایی بیش نیست و فاقد هرگونه امکانات اولیه‌ی

توده‌های پاکستان بار دیگر علیه رژیم ضیاالحق به اعتراض برمی‌خیزند

تنفر خود را نسبت به رژیم ژنرال ضیا نشان دادند. همچنین توده‌های اعتراض‌کننده با حمله به ایستگاههای پلیس حداقل ۵۰ تن از زندانیان را آزاد کردند. با وجود سرکوب و کشتار توده‌های زحمتکش به وسیله‌ی چکمه‌پوشان ژنرال ضیا، مردم این کشور همچنان خواهان انتخابات جدید و برکناری ضیاءالحق‌اند. □

اعتراضات توده‌های زحمتکش و احزاب سیاسی علیه حکومت وابسته به امپریالیسم ژنرال ضیا، همچنان ادامه دارد. ماه اخیر نیز شهرهای پاکستان بار دیگر شاعر زد و خوردهای خونین بین مردم و پلیس بود. به طوری که تظاهر کنندگان با آتش زدن ساختمان چندین کلانتری، ساختمانهای دولتی، ایستگاههای راه آهن و ...

در روز سه‌شنبه ۳۰ سپتامبر ۸۶، جمعی از اعضای واحد اسکاتلند سازمان دانشجویان ایرانی در انگلستان، اسکاتلند و ولز در کفتگوی با جerald مک ویکن عضو دفتر سیاسی شین فین (Sinn Fein)، شاخه‌ی سیاسی ارتش جمهوری خواه ایرلند و نماینده‌ی مردم شهر در شورای شهر بلفاست و ۲ تن دیگر از اعضای شین فین، شرکت کردند. این گفتگو ۳ ساعت به طول انجامید. در قسمت اول، رفیق مک ویکن پس از تشکر از رفقای هوادار برای تدارک چنین جلسه‌ای به سئوالهای رفقای هوادار در مورد جنبش ایرلند و مواضع سازمان شین فین پاسخ داد. در قسمت دوم جلسه، رفقای هوادار در مورد موقعیت جمهوری اسلامی و مواضع سازمان چریکهای فدایی خلق ایران توضیحاتی دادند. به منظور اطلاع خوانندگان نشریه‌ی جهان بخشهایی از این گفتگو را درج می‌کنیم.

گفتگوی با یکی از اعضای شین فین

سئوال: اگر ممکن است در مورد تجزیه‌ی ایرلند و تاثیر آن بر مبارزات

رهایی بخش زحمتکشان ایرلند، توضیح دهید.

جواب: مساله‌ی ایرلند یکی از مهم‌ترین و بغرنج‌ترین مسایل سیاسی است. مگره‌ی امپریالیسم انگلیس در یک قرن گذشته با آن مواجه بوده است. در واقع جنبش استقلال طلب ایرلند از اواسط قرن نوزدهم شروع و از سال ۱۹۲۱ با تجزیه‌ی ایرلند به شکل جدیدی در شمال ایرلند ادامه یافت. در پی مبارزات انقلابی سالهای ۱۹۱۹ و ۱۹۲۰ در سال ۱۹۲۱، امپریالیسم انگلیس حاضر شد ۲۶ استان که در جنوب جزیره‌ی ایرلند قرار داشتند، را تحویل جناحهای بورژوازی درون جنبش جمهوری خواه ایرلند بدد. اما ۶ استان ایرلند شمالی کماکان تحت سلطه‌ی دولت انگلیس و چون بخشی از "بریتانیای کبیر" باقی ماندند. در پی یورش همه‌جانبه‌ی امپریالیسم انگلیس با همکاری بورژوازی ایرلند در سال ۱۹۲۳، نیروهای جمهوری خواه شکست خوردند. تجزیه‌ی ایرلند، ضربات مهلکی بر جنبش ملی و کارگری وارد کرد. موقعیت جدید، ایجاد یک سازمان سوسیالیستی در سراسر ایرلند را دشوار ساخت. سئوال: نیروهای انقلابی ایرلند و ارتش جمهوری خواه ایرلند برای نجات از این موقعیت و سازماندهی مبارزات آینده چه برنامه‌ای را دنبال کردند؟

جواب: از آنجا که رهایی ملی تنها به وسیله‌ی یک آلترناتیو انقلابی که توسط یک سازمان سوسیالیستی رهبری می‌شود، حاصل خواهد شد، لازم بود زمینه‌های تشکیل چنین سازمانی فراهم شوند. پس از یک دوره اقت‌نسی در جنبش، در اوایل دهه‌ی ۶۰ ارتش جمهوری خواه ایرلند، با از سرگیری مبارزه‌ی مسلحانه فاز جدیدی را در مبارزات خلق ایرلند گشود. با اتخاذ تاکتیک مسلحانه، نیروهای انقلابی سه هدف مشخص را دنبال می‌کردند: - مقابله با ارتش اشغالگر انگلیس،

- کسب اعتماد مردم ایرلند و مبارزه با بن‌عملی و سازشکاری رفرمیستهای درون جنبش جمهوری خواه.

(این جناح با الهام از مصوبات کنفره‌های ۲۰ و ۲۲ حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی، مخالف مبارزه‌ی مسلحانه بود و موافق راه حل‌های صلح طلبانه و سازشکارانه بود.)

- زمینه‌سازی برای شکل‌گیری یک آلترناتیو سوسیالیستی در سراسر ایرلند. سئوال: سازمان شین فین در چند سال گذشته به فعالیتهای توده‌ای خود افزوده است و به موفقیت‌هایی نیز دست یافته است. ممکن است در این مورد توضیحاتی بدهید.

جواب: در پی تحولات سیاسی در ایرلند و رشد جنبش، خط انقلابی در درون جنبش جمهوری خواه تقویت شد. در طی چند سال گذشته، شین فین فعالیتهای سیاسی گسترده‌ای را در سراسر ایرلند دنبال کرده است و با تشکیل کمیته‌های منطقه‌ای برای رسیدگی به مساله‌ی مسکن، بهداشت و بیکاری در مناطق فقیرنشین ایرلند، موفق شده است به مسایل روزمره‌ی کارگران و زحمتکشان رسیدگی کند و مبارزات آنان را برای دستیابی به حقوق خود سازماندهی کند.

سئوال: ارزیابی شما از اعتصاب غذای قهرمانانه‌ی زندانیان ایرلندی چیست؟

جواب: اولین اعتصاب غذای اسرای جنگی جمهوری خواه در زندانهای دولت بریتانیا، در سال ۱۹۷۲ شروع شد و این حرکت دولت را وادار کرد این زندانیان را به عنوان زندانی سیاسی بشناسد. اما در سال ۱۹۷۶، دولت بریتانیا در سیاست خود تجدید نظر کرد و مقام زندانی سیاسی را از رفقای در بند ما در زندانهای لانک کش (Long Kesh) و زندان زنان در آرم (Armagh) پس گرفت. پس از یک سلسله اعتراض و مبارزه در درون زندان، در اکتبر سال ۱۹۸۰،

دوره‌ی جدید اعتصاب غذا آغاز شد. دولت بریتانیا، نگران از تبلیغات بین‌المللی علیه سیاستهای سرکوبگرش در ایرلند، متعهد شد خواسته‌های زندانیان را بپذیرد و اعتصاب غذا پس از ۵۳ روز پایان یافت. اما پس از مدت کوتاهی، دولت تعهد خود را زیر پا گذاشت. در اول ماه مارس ۱۹۸۱، اعتصاب غذای دیگری توسط بابی سندز آغاز شد. در مدت ۶ ماه، ده نفر از انقلابیون جمهوری خواه یکی پس از دیگری وارد اعتصاب غذا شدند و در این راه جان باختند. اعتصاب با دخالت اعتصابیون و موافقت دولت بریتانیا با کلیه‌ی خواسته‌های زندانیان، به جز خواست حق تجمع، در اکتبر سال ۸۱ به پایان رسید.

این اعتصاب غذا، اگرچه منجر به به خون تیبیدن ۶ نفر از بهترین رفقای ما شد، به دولت بریتانیا نشان داد، جنبش جمهوری خواه ایرلند، از هیچ گونه جانفشانی برای دستیابی به اهداف مبارزاتی خود دریغ نخواهد کرد. سوال: در ادامه‌ی اعتصاب غذاها، سال ۱۹۸۱، شین فین تصمیم گرفت در انتخابات پارلمانی شرکت کند. آیا شین فین تصمیم دارد در آینده نیز از این تاکتیک تبلیغی استفاده کند؟

جواب: به دلیل حمایت وسیع توده‌ها از اعتصابیون و بی‌اعتبار شدن دولت بریتانیا در سطح ملی و بین‌المللی، بابی سندز، آغازگر اعتصاب سال ۸۱، به عنوان کاندید انتخابات پارلمانی معرفی شد. دوره‌ی انتخابات مصادف بود با آخرین هفته‌های زندگی بابی سندز و او از نظر جسمی وضع بسیار وخیمی داشت. با این همه دولت بریتانیا همه‌ی نیرنگهای تبلیغی خود را به کار برد تا مانع از پیروزی شین فین در انتخابات بشود. با این همه بابی سندز با اکثریت قاطعی به عضویت پارلمان انگلیس انتخاب شد و پس

از او نیز ۳ تن دیگر از اعضای شین فین در انتخابات پارلمانی پیروز شدند.

البته لازم است تاکید کنم که شرکت ما در انتخابات، تنها برای استفاده از تبلیغات دوره‌ی انتخابات است و هیچ یک از اعضای شین فین در پارلمان دولت امپریالیستی بریتانیا شرکت نخواهد کرد و سازمان ما توهمی به دموکراسی بورژوازی ندارد.

یکی از موارد مورد بحث در کنفره‌ی آینده‌ی سازمان شین فین، که در نوامبر امسال برگزار خواهد شد، ارزیابی تاکتیک مداخله در پارلمان ایرلند جنوبی خواهد بود.

سوال: حدود یک سال پیش دولتهای انگلیس و ایرلند جنوبی قرارداد مشترکی را به منظور "حل مسالهی ایرلند" امضا کردند. این قرارداد با مخالفت شدید نیروهای انقلابی مواجه شده است. نظر شما درباره‌ی این قرارداد و عواقب آن برای جنبش جمهوری خواه چیست؟
جواب: گسترش کمی و کیفی مبارزه‌ی مسلحانه - سیاسی توسط نیروهای پیشرو، طی ۱۸ سال گذشته، صفحه‌ی جدیدی در تاریخ طولانی مبارزات خلق ایرلند کشوده است. در نتیجه‌ی این تحولات دولتهای پنج دوره‌ی اخیر در پارلمان انگلیس مجبور شده‌اند تا در تکاپوی پیدا کردن "راه حلی" باشند.

حزب کارگر که در دهه‌ی ۷۰، دو دوره انتخاب شد، همیشه کوشیده است مسالهی ایرلند را فراموش کند و از روبرو شدن با خواسته‌های جنبش رهایی بخش طفره می‌رود. اما در عین حال، زیرکانه سیاستهای امپریالیسم انگلیس را اجرا می‌کند.

اما دولت محافظه‌کار که در دوره‌ی اخیر تاکتیکهای متنوعی را برای سرکوب جنبش ایرلند و پیشروان آن، یعنی ارتش جمهوری خواه به کار برده است،

اخیراً با امضای قراردادی با دولت ایرلند جنوبی می‌کوشد با دخالت دادن این دولت و استفاده از عناصر سازشکار در بین کاتولیکهای ایرلندی، جلوی حرکت جنبش انقلابی را بگیرد. دورژیم مرتجع بریتانیا و ایرلند جنوبی، منافع دراز مدت خود را در تثبیت شرایط ایرلند شمالی می‌بینند. طبق این قرارداد، نیروهای مسلح ارتش و پلیس ایرلند جنوبی با ارتش انگلیس همکاری خواهند کرد تا با تعقیب اعضای ارتش جمهوری خواه مانع عملیات نظامی آنان شوند. علاوه بر این دولت بریتانیا که همیشه نگران حرکات غیر قابل کنترل یونیونیستها (احزابی که مخالف جدایی ایرلند از بریتانیا هستند) و رهبران مذهبی-سیاسی پروتستانهای ایرلند شمالی بوده است، امیدوار بود با این قرارداد تضادعای سطحی خود را با این جریانها تقلیل بخشد. سوال: آیا جنبش کارگری انگلیس در حمایت از مبارزات خلق ایرلند،

فعال است؟

جواب: به طور کلی رفرمیسم بر بخش وسیعی از جنبش کارگری انگلیس غالب است و این جنبش پیوسته کوشیده است از برخورد قاطع به مسایل ایرلند شانه خالی کند. نیروهای سوسیالیست نیز تنها برخورد سطحی و کلی به جنبش ایرلند می‌کنند و فعالیت چشم‌گیری ندارند. جای تاسف است که نیروهای سیاسی جنبش کارگری بریتانیا بر حمایت از جنبش انقلابی در بسیاری از کشورهای جهان تاکید دارند، اما در مورد ایرلند که فعلاً جزئی از بریتانیا است و از نظر سیاسی مسالهی کلیدی برای جنبش کارگری سراسری بریتانیاست، هیچ فعالیت و برخورد جدی نمی‌کنند. البته، اکثر این نیروها به خوبی واقفند که در شرایط فعلی اگر جنبش ایرلند شمالی شکست بخورد، طبقه‌ی کارگر انگلیس ضربات سهمگینی را متحمل خواهد شد. ■